

زنان سرپرست خانوار و بار نامرئی تعارض نقش: یک مطالعه پدیدارشناختی از تقابل کار و خانواده (مورد مطالعه: سکونتگاه غیررسمی التیمور، مشهد)

سیمین فروغ زاده

عضو هیات علمی گروه توسعه پایدار شهری و منطقه ای جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران (نویسنده اول و مسئول)

سعید شریعتی مزینانی

عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی گردشگری جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران

فاطمه نوعی تیموری

پژوهشیار جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران

چکیده

زنان سرپرست خانوار، به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، با مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی، روانی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند که بخش عمده‌ای از آن ناشی از ایفای هم‌زمان نقش‌های مادری و نان‌آوری است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی، به بررسی عمیق تجارب زیسته زنان سرپرست خانوار ساکن در سکونتگاه غیررسمی التیمور مشهد می‌پردازد. توصیف و تحلیل لایه‌های زیرین واقعیت‌های پنهان زندگی روزانه زنان سرپرست خانوار و مبارزه روزمره شان در مدیریت امور خانه و خانواده که در نهایت باعث آشکار شدن ابعاد پنهان تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی آنها می‌شود، هدف اصلی تحقیق است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۲۶ زن سرپرست خانوار در بازه سنی ۳۰ تا ۶۹ سال جمع‌آوری شد. نتایج نشان می‌دهد که اجبار به ایفای نقش‌های دوگانه، همراه با فقدان حمایت‌های کافی خانوادگی و اجتماعی، منجر به تشدید تعارض نقش‌ها، افزایش بار مسئولیت، کاهش کیفیت زندگی و افزایش آسیب‌پذیری این زنان می‌شود. فشارهای مالی، مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی، احساس انزوای اجتماعی و محدودیت‌های فرهنگی از مهم‌ترین مشکلات آنان است. باوجود اتخاذ راهبردهای فردی برای سازگاری، ضعف حمایت‌های نهادی و هنجارهای اجتماعی مانع بهبود شرایط آنان می‌شود. یافته‌های این مطالعه بر لزوم توجه به سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی چندبعدی زنان سرپرست خانوار تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: زنان سرپرست خانوار، تعارض نقش، سکونتگاه غیررسمی، فشارهای روانی - اجتماعی

مقدمه

بررسی آمارهای رسمی ایران طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که سهم زنان سرپرست خانوار به طور مستمر افزایش یافته است. بر اساس نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، درصد خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷.۳- ۸.۴-۹.۴-۱۲.۱-۱۲.۷ درصد از کل خانوارهای کشور بوده است (دراهکی و نوبخت، ۱۴۰۰: ۴۲۹). این روند افزایشی بیانگر رشد قابل توجه نقش زنان در سرپرستی خانوار است. با این حال، علی‌رغم مطالعات و پژوهش‌های گسترده در این زمینه، مسائل و مشکلات متعدد این گروه اجتماعی همچنان پابرجا بوده و نیازمند بررسی و حمایت‌های هدفمند است. زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر، با چالش‌های چندبعدی ناشی از هم‌زمانی نقش‌های شغلی و خانوادگی مواجه‌اند که تأثیرات قابل توجهی بر کیفیت زندگی آنان دارد.

یکی از این موضوعات، تعارض نقش^۱ است. تعارض نقش در زنان سرپرست خانوار به معنای ایفای هم‌زمان و اغلب متعارض چندین نقش، فراتر از وظایف یک مادر تنها است. این زنان پس از پذیرش نقش سرپرستی خانوار، وظایف مادری و پدری را در کنار یکدیگر انجام می‌دهند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲). این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که فشارهای ناشی از حوزه کار و خانواده به‌صورت هم‌زمان و ناسازگار بر این گروه از زنان وارد شود و در این تعارض انجام مؤثر هر یک از نقش‌ها توسط آنها مختل می‌شود (گرینهاوس و بیوتل^۲، ۱۹۸۵). این موضوع نه‌تنها بر سلامت روانی زنان تأثیر می‌گذارد (همان منبع)، بلکه منجر به ایجاد «بار نامرئی^۳» ناشی از انتظارات اجتماعی (مانند نان‌آوری و مادر بودن) و تقسیم ناعادلانه کار خانگی می‌شود (ماچونگ، هوجشیلد^۴، ۱۹۸۹). این بار نامرئی، کاملاً ذهنی است؛ زیرا به‌راحتی در زمان یا مکان محدود نمی‌شود؛ اغلب هم‌زمان با سایر وظایف رخ می‌دهد و در پس‌زمینه زندگی روزمره جریان دارد. قابل‌اندازه‌گیری نیست و به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود، حتی اگر بار آن عمیقاً توسط کسانی که آن را به دوش می‌کشند، حس شود (باریگوزی^۵، ۲۰۲۵).

1 Role Conflict Theory
2 Greenhaus & Beutell
3 Invisible Burden Theory
4 Machung & Hochschild
5 Barigozzi

مطالعات بین‌المللی مربوط به دو دهه گذشته، از جمله مطالعه هیلبرشت^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که تعارض نقش در میان زنان سرپرست خانوار، پیامدهای شدیدتری نسبت به زنان متأهل دارد. نکته قابل‌تأمل آنکه یافته‌های مشابه در پژوهش‌های جدید نیز تأیید شده است (نظیر تحقیقات مک‌دانل و گراسیا^۲ ۲۰۲۴، کیم و کیم^۳ ۲۰۲۰، سارتور^۴ و همکاران ۲۰۲۳). در ایران نیز پژوهش‌های متعددی گزارش کرده‌اند زنان سرپرست خانوار نگرانی و یا اضطراب مزمن ناشی از تعادل شغلی - خانوادگی را تجربه می‌کنند (نظیر مطالعات رستگار خالد و عظیمی ۱۳۹۳، ترابی و همکاران ۱۴۰۱، مختاری و خوش‌اخلاق ۱۴۰۲). افزون بر این جدیدترین داده‌های سازمان بهزیستی کشور (۱۴۰۲) هم نشان می‌دهد کمبود برنامه‌های حمایتی کارآمد، از جمله نبود سیستم‌های مراقبت از کودک با هزینه مناسب و ساختارهای شغلی غیرمنعطف، به افزایش بار مسئولیت‌های این زنان دامن زده است.

بر اساس آنچه آمد این پژوهش با رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی و بر پایه تجربه و تفسیر زنان سرپرست خانوار به دنبال کشف تجارب زیسته این زنان در مواجهه با تعارض کار و خانواده است و تلاش می‌کند وجوه پنهان زندگی این زنان و مبارزه روزمره‌شان در مدیریت امور خانه و خانواده را به تصویر بکشد. تحقیق در میان زنان سرپرست خانوار ساکن در یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد (التیمور) که یکی از مهم‌ترین و متراکم‌ترین محلات در بخش غیررسمی این شهر است، انجام شده و تنوع تجارب این زنان را موردبررسی قرار داده است؛ لذا هدف اصلی تحقیق پاسخ به این پرسش اصلی است که: زنان سرپرست خانوار در مواجهه با هم‌زمانی نقش‌های شغلی و خانوادگی با چه مسائلی روبه‌رو هستند و برای سازگاری با این شرایط چه می‌کنند؟

1 Hilbrecht

2 McDonnell & Gracia

3 Kim, G. E., & Kim, E.-J

4 Sartor

پیشینه پژوهش

خلاصه‌ای از مرور پیشینه پژوهش به شرح جدول زیر تنظیم شده است:

محقق / سال	عنوان	روش	نتایج
اشتری مهرجردی و همکاران (۱۴۰۲)	شناسایی تجارب و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان «در شرایط قرنطینه خانگی ناشی از بیماری کرونا»	کیفی، مصاحبه با ۱۵ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار تحت‌تأثیر «والدگری مضاعف» قرار دارند، به این معنا که هم‌زمان نقش‌های پدری و مادری را برعهده می‌گیرند از طرفی فشارهای روحی و روانی ناشی از پاندمی، از جمله فرسودگی والدگری و افسردگی، تعارض نقش سلامت - والد را تشدید می‌کند. مشکلات اقتصادی و کاهش درآمد، تعارض نقش کار - والد را به وجود آورده و زنان را به انتخاب‌های دشوار مالی وامی‌دارد. همچنین تبعیض جنسیتی و قطع حمایت‌های اجتماعی، تعارض نقش اجتماعی - خانوادگی را عمق بخشیده و حس رهاشدگی را افزایش می‌دهد. کمبود امکانات آموزشی مجازی، تعارض نقش آموزشی - والد را القا کرده و فرصت‌های تحصیلی فرزندان را به مخاطره می‌اندازد. در نهایت افزایش مسئولیت‌های مراقبتی و مواجهه با خشونت در خانواده، تعارض نقش سرپرست - حامی را شدت می‌بخشد و تاب‌آوری مادر و کودک را تضعیف می‌کند.
حسینی، محمدزاده (۱۴۰۲)	مادری دلسوزانه؛ تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از مادری	کیفی، مصاحبه با ۱۵ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار هم‌زمان نقش‌های مادری و پدری را برعهده دارند و این پای هم بودن مسئولیت‌ها بار روانی و آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد. فشارهای مالی مضاعف آن‌ها را در تأمین خوراک، پوشاک و هزینه‌های تحصیل و درمان فرزندان دچار بحران می‌کند و گاهی به تنبیه و بدرفتاری می‌انجامد. نگرانی مستمر از آینده و رفاه فرزندان، تحمل ناراحتی‌های آن‌ها و حتی پشیمانی از مادر شدن، بخشی از بار عاطفی سنگین این زنان است. فداکاری مطلقه و از خودگذشتگی برای تأمین نیازهای فرزندان، همراه با امتناع از ازدواج مجدد به‌خاطر حفظ آرامش و امنیت آن‌هاست. انگ اجتماعی، تبعیض و گاه طرد از خانواده و جامعه نیز این زنان را مجبور به پنهان‌سازی هویت و سازگاری ناپه‌نجان با شرایط می‌کند، تا شناسایی و قضاوت پیرامونیان را به حداقل برسانند.
قادری و همکاران (۱۴۰۱)	تجربه سرپرستی خانوار توسط زنان و چرخه بازتولید فلاکت (نمونه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر کرج)	کیفی، مصاحبه با ۲۲ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار پس از فقدان همسر ناچار به ایفای نقش‌های متضاد پدری، مادری و نان‌آوری شده و با فقر زمانی و فشار روانی و اقتصادی مواجه می‌شوند. آن‌ها در تأمین معیشت و نیازهای فرزندان با محرومیت اقتصادی، کمبود مهارت و گاه ارتکاب جرم دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر، انگ‌زنی اجتماعی، طرد و فقدان حمایت خانوادگی و دولتی بار مشکلات روانی و اضطراب آن‌ها را تشدید کرده است. این وضعیت چرخه بازتولید فلاکت را تقویت می‌کند و علاوه بر آسیب اقتصادی و اجتماعی، سلامت جسمی و روانی مادر و فرزندان را نیز به خطر می‌اندازد.

محقق / سال	عنوان	روش	نتایج
احمدی، امیر مظاهری، صفاری (۱۴۰۱)	بازسازی معنایی فرهنگ فقر زنان سرپرست خانواده	کیفی، مصاحبه با ۲۳ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار با «تعدد نقش‌ها» و فشار نقش مواجه‌اند و برای هم‌زمانی نقش‌های مادری، پدری و نان‌آوری به فشار روانی - جسمی و «فقر زمانی» دچار می‌شوند. در «زیست حداقلی»، کاهش توان مالی و معیشتی، مشکلات جسمی و روانی و حاشیه‌نشینی اقتصادی-اجتماعی، سطح زندگی و سلامت آن‌ها را به شدت تخریب می‌کند. در «ساخت اجتماعی مادرانگی»، این زنان ناچار به پذیرش نقش‌های مردانه و سرکوب احساسات خود، حفظ عفت در چارچوب ارزش‌های مردسالارانه و فداکاری مطلقه برای فرزندان هستند و در «درماندگی پذیرفته شده»، ارزش‌های مسلط فرهنگی و اقتصادی را درونی کرده و به دلیل کم‌سوادی، ناامیدی و فقدان انگیزه، از تغییر وضعیت ناتوان می‌مانند.
شارما ^۱ (۲۰۲۳)	فقر و جنسیت: عوامل تعیین‌کننده خانوارهای زن سرپرست و مرد سرپرست با فرزندان در فقر در ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۹	کمی، داده‌های برآوردهای پنج‌ساله (۲۰۱۵-۲۰۱۹) نظرسنجی جامعه آمریکا (ACS) از سیستم اطلاعات جغرافیایی تاریخی ملی (NHGIS).	زنان سرپرست خانوار عموماً حجم بسیار بیشتری از کارهای خانگی و مراقبتی از جمله خانه‌داری، نگهداری از کودکان و سالمندان، آشپزی و نظافت را بر عهده دارند. این وظایف بدون دستمزد، فرصت آنها برای اشتغال در فعالیت‌های مولد و درآمدزا را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد. زنان به‌ویژه آن دسته که فرزند دارند یا مجرد/مطلقه هستند و مسئولیت سرپرستی کودکان را بر عهده دارند با جرمیه مادری ^۲ مواجه‌اند. این پدیده به معنای ناتوانی در تبدیل کامل تحصیلات و مهارت‌ها به موفقیت اقتصادی است.
تبریزی کاهو و همکاران (۲۰۲۳)	نمایش پدیدارشناسی زیستی-اجتماعی در خانوارهای زن سرپرست	کیفی، مصاحبه با ۲۱ زن سرپرست خانوار	در بعد روابط زیسته، زنان مجبور به ایفای نقش‌های مردانه، چون تأمین مالی خانواده، هستند درحالی‌که باید نقش‌های زنانه خود را نیز حفظ کنند. این دوگانگی فشارهای روانی زیادی به آنان وارد می‌کند. در فضای اجتماعی، زنان با حضور بیشتر در عرصه عمومی مواجه‌اند که به معنای برابری نقش‌ها با مردان است، اما این حضور ممکن است بر روابط زنان با دیگران تأثیر منفی بگذارد. در بدن زیسته، برخی زنان بدن خود را به عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر وضعیت اجتماعی می‌بینند، درحالی‌که برخی دیگر آن را نماد شرافت می‌دانند. این دوگانگی‌ها نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار در معرض فشارهایی قرار دارند که ناشی از هم‌زمانی نقش‌های سنتی و مدرن است.
سفیری، عرب‌پور (۱۴۰۰)	مطالعه تجربه زیسته مادری و همسری در بین زنان سرپرست خانوار تهرانی	کیفی، مصاحبه با ۱۹ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار با تعارض نقشی شدید مواجه‌اند؛ باید هم‌زمان نقش‌های سنتی مادری و نقش‌های مردانه اقتصادی و مدیریتی را بر عهده گیرند. فشارهای آن‌ها در سه حوزه اصلی شکل می‌گیرد: اقتصادی (فقر، فقدان امنیت مالی، بارداری ناخواسته)، اجتماعی و روانی (انزوای اجتماعی، تریس، نگرانی برای فرزندان، مردستیزی) و جسمی - روحی (بیماری، افسردگی، پیری زودرس). رنج مضاعف، طرد اجتماعی و فقدان حمایت، تجربه مشترک آنان است. این وضعیت آن‌ها را به حاشیه رانده و زندگی‌شان را با تهدیدهای مستمر همراه کرده است.
پانامپیتیا ^۳ (۲۰۲۱)	مطالعه مقایسه‌ای تغییرات ساختاری و عملکردی خانوارهای زن سرپرست در مناطق روستایی سریلانکا	کمی، پیمایشی	زنان سرپرست خانوار با تعارض نقش و فشارهای چندوجهی مواجه‌اند، نقش‌آفرینی هم‌زمان در حوزه‌های اقتصادی، تربیتی و خانوادگی، سربر نقش، و تضاد وظایف را می‌توان مصداق آن دانست. فشارها در چهار دسته اقتصادی (فقر، بی‌ثباتی معیشتی)، نقشی (بار مسئولیت مضاعف)، اجتماعی (انزوای ناشی از داغ ننگ، تعصب جنسیتی) و روانی (افسردگی، اضطراب، استیصال) تقسیم می‌شوند.
یوسفی لینی و همکاران (۲۰۲۰)	چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی خانوارهای زن سرپرست در ایران: یک مطالعه کیفی	کیفی، مصاحبه با ۲۶ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست با مشکلاتی چون اضافه‌بار و تضاد نقشی (مانند ایفای هم‌زمان نقش مادر و پدر)، فشارهای روانی، و محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی مواجه‌اند که منجر به تنش‌ها و بازتولید چرخه فقر می‌شود.
شبیانی، زارع (۱۳۹۸)	فراتحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران	کیفی، کتابخانه‌ای	زنان سرپرست خانوار با تعارض نقش‌های چندگانه مواجه هستند؛ آن‌ها هم‌زمان وظایف نان‌آوری و اداره خانواده (از جمله نقش‌های مادری و پدری) را بر عهده دارند که منجر به استرس و مشکلات روانی می‌شود. فشارهای اصلی وارده بر این زنان در حوزه‌های اقتصادی (فقر، مشاغل ناپایدار و کم‌درآمد، و عدم امنیت درآمدی)، سلامت روانی (شیوع افسردگی و اضطراب ناشی از فشار نقش‌ها) و اجتماعی (محدودیت شبکه‌های اجتماعی، تبعیض و نبود حمایت‌های کافی) متمرکز است. این زنان همچنین با کم‌سوادی و عدم مهارت‌پذیری اقتصادی روبرو هستند که آسیب‌پذیری آن‌ها را تشدید می‌کند.

1 Sharma

2 Motherhood Penalty

3 Panampitiya

محقق / سال	عنوان	روش	نتایج
همتی، کریمی (۱۳۹۷)	زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی	کیفی، مصاحبه با ۱۰ زن سرپرست خانوار مطلقه	زنان سرپرست خانوار با تعارض نقش اساسی مواجه‌اند؛ آن‌ها مجبورند هم‌زمان وظایف پدر و مادر را بر عهده بگیرند و کارهای مردانه را نیز انجام دهند که منجر به کمبود وقت و فشار می‌شود. این دوگانگی نقش، فشارهای اقتصادی شدید از جمله فقر، نداشتن شغل مناسب با درآمد کافی و فقر قابلیتی (فقدان سواد، فن و تحصیلات) را به دنبال دارد. همچنین، آن‌ها با فشارهای اجتماعی و روانی نظیر داغ ننگ، طرد و قضاوت جامعه، احساس تنهایی، ناامنی جنسی و نگرانی عمیق برای آینده فرزندانشان روبرو هستند. این وضعیت، به اضطراب، چالش‌های جدی در فرزندپروری، محدودیت در روابط اجتماعی و عدم توانایی در دستیابی به استانداردهای زندگی مطلوب می‌انجامد.
خانی و همکاران (۱۳۹۶)	مطالعه آسیب‌پذیری اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در منطقه سلطان‌آباد شهر تهران	کمی، پیمایشی، پرونده‌های فعال در کلینیک مددکاری اجتماعی ستایش مهر در منطقه سلطان‌آباد تهران در سال ۱۳۹۴	«تعارض نقش» در زنان سرپرست خانوار به معنای ایفای هم‌زمان نقش عاطفی و تربیتی خانواده در کنار مسئولیت سنگین اقتصادی و نان‌آوری است. این دوگانگی نقش، فشار مضاعفی بر آنان وارد کرده و به آسیب‌پذیری شدید این زنان و فرزندانشان منجر می‌شود. این فشارها عمدتاً در حوزه‌های فقر اقتصادی شدید (۵۹ درصد در دهک پایین درآمدی) و انزوای اجتماعی بالا (حدود ۵۰ درصد تجربه انزوای زیاد یا متوسط) متجلی می‌شود.
هویوس ^۱ و همکاران (۲۰۱۶)	نقش‌ها و چالش‌های زنان سرپرست خانوار مبتلا به HIV/ایدز	کیفی، مصاحبه با ۱۳ زن سرپرست خانوار مبتلا به ایدز	زنان سرپرست خانوار مبتلا به HIV/AIDS با نقش‌های متعدد و طاقت‌فرسا روبرو هستند، از جمله مراقبت از فرزندان و خانه، تأمین معیشت اقتصادی، حمایت عاطفی و مدیریت پیچیده سلامت خود و فرزندانشان. این وضعیت به فشارهای شدیدی در حوزه‌های اقتصادی (فقر، کار غیررسمی)، اجتماعی (ننگ و تبعیض HIV، خشونت)، سلامت (دسترسی به درمان) و روان‌شناختی (نادیده‌گرفتن خود، استرس) منجر می‌شود. این فشارهای چندگانه توانایی آن‌ها را برای پیگیری آرزوهای شخصی و خودمراقبتی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، درحالی‌که مجبورند بار سنگین مسئولیت‌های خانوار را به دوش بکشند.
رستگار خالد، عظیمی (۱۳۹۳)	بررسی تعارض شغلی/ خانوادگی زنان سرپرست خانوار	کیفی، مصاحبه با ۲۵ زن سرپرست خانوار	تعارض شغلی/ خانوادگی پدیده اصلی در زنان سرپرست خانوار است. این تعارض به دلیل ایفای نقش دوگانه مادر و نان‌آور ایجاد می‌شود و ناشی از فشارهایی است که هم از سمت کار (کاهش مراقبت از فرزندان، بار نقش شغلی اضافی) و هم از سمت خانواده (بیگانگی از کار، بار نقش خانوادگی اضافی) به این زنان وارد می‌شود. در نهایت، این تعارض‌ها منجر به کاهش کیفیت زندگی، ناتوانی در تأمین مالی و تضعیف نقش خانوادگی این زنان می‌شود.
بابایی فرد (۱۳۹۲)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در مسئولیت‌پذیری زنان سرپرست خانوار در کاشان و آران و بیدگل	کمی، پیمایشی، ۲۰۶ زن سرپرست خانوار	زنان سرپرست خانوار با تعارض نقش شدید همچون شیفت دوم کاری پس از شغل اصلی و فشارهای زندگی گسترده‌ای در حوزه‌های تأمین نیازهای عاطفی و تربیتی فرزندان، خانه‌داری، کمبود اوقات فراغت و احساس تنهایی روبرو هستند. این تعارض‌ها و فشارها به تنش‌های روانی و احساس فرسودگی در آنها منجر می‌شود. باوجود این به‌موازات افزایش فشارهای زندگی، میزان مسئولیت‌پذیری در بین این زنان نیز بالا می‌رود.

با مرور پیشینه تجربی می‌توان نتیجه گرفت که زنان سرپرست خانوار با مجموعه‌ای پیچیده از چالش‌ها مواجه‌اند که ناشی از ایفای هم‌زمان چند مسئولیت است. این هم‌زمانی نقش‌ها زمینه‌ساز تضاد نقش (به‌ویژه تضاد شغل - خانواده) و در ادامه، فشار نقش می‌شود. فشار اقتصادی، عدم حمایت اجتماعی، و انتظارات فرهنگی و نهادی، این چرخه را تشدید کرده و به پیامدهای منفی گسترده‌ای در ابعاد مختلف منجر می‌شود. به‌طوری‌که در بعد فردی، اجتماعی - فرهنگی و بعد اقتصادی آثار عمیقی بر زندگی زنان می‌گذارند. در بعد فردی، انباشت وظایف مادری، شغلی و خانه‌داری منجر به بروز اضطراب، افسردگی، خستگی مزمن، کاهش خودکارآمدی و احساس کنترل، و مشکلات جسمانی مانند اختلال خواب و سردرد تنش می‌شود. در بعد اجتماعی، کمبود زمان و انرژی موجب کاهش تعاملات حمایتی و تشدید احساس تنهایی می‌گردد؛ همچنین، انگ زدن فرهنگی مانند "ناکافی بودن در نقش مادری" و "انتظارات جنسیتی" بحران نقش را عمیق‌تر می‌سازد. در بعد اقتصادی، ناامنی شغلی، درآمد محدود، و فشار

هزینه‌های زندگی، زنان را ناچار به چندشغلی شدن می‌کند. در بعد فرهنگی، هنجارهای سنتی که نقش زن را صرفاً به مادری و همسری محدود می‌کنند، با واقعیت مسئولیت سرپرستی خانواده در تعارض‌اند و تابوهای مربوط به طلاق یا بیوگی، احساس گناه و سرخوردگی ایجاد می‌کند و در بعد نهادی، نبود هماهنگی بین نهادهای حمایتی، ضعف برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، و ناکارآمدی قوانین کار و رفاه اجتماعی در ارائه معافیت‌ها یا مشوق‌های لازم، موجب افزایش آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار می‌شود.

ملاحظات نظری پژوهش

محقق برای مواجهه هوشمندانه‌تر با میدان تحقیق و تفسیر و تحلیل داده‌ها، به سرخ‌هایی نیاز دارد. حساس‌سازی پژوهشگر نسبت به جنبه‌های مهم، پیچیده یا پنهان در مراحل مختلف تحقیق و به طور خاص تحلیل داده‌ها به کمک نظریه‌ها امکان‌پذیر است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تقابل کار و خانواده در زندگی زنان سرپرست خانوار است و به این منظور برای تدوین چهارچوب تحلیلی تحقیق از چهار نظریه استفاده شد: فشار نقش^۱، تعارض نقش، سرریز کار-خانواده^۲، بار نامرئی.

ویلیام جوزف گود^۳ (۱۹۶۰) برای بازکردن مفهوم «فشار نقش»، بر تنشی تأکید دارد که افراد هنگام ایفای همزمان چند نقش اجتماعی در شرایط محدودیت منابع (مانند زمان، انرژی یا حمایت اجتماعی) تجربه می‌کنند. به اعتقاد وی افراد در مواجهه با چنین فشاری برخی نقش‌ها را فدای نقش‌های مهم‌تر می‌کنند یا از حمایت اجتماعی برای تعدیل انتظارات بهره می‌گیرند. گاهی در این وضعیت کمبود زمان، انرژی یا حمایت اجتماعی برای مدیریت هم‌زمان چند نقش، باعث ایجاد تنش می‌شود. در پی این فشار، افراد ناچار به توسعه استراتژی‌ها و مکانیسم‌های مقابله‌ای می‌شوند تا بتوانند تعارضات زمانی و منابع نقش‌های مختلف را مدیریت کنند (ویلیام ج گود، به نقل از پاسکال و همکاران^۴، ۲۰۲۲: ۵۵). در مورد زنان سرپرست خانوار، این فشار با شدت بیشتری بروز می‌کند؛ چرا که آن‌ها در شرایط نابرابر ساختاری، ناچار به مدیریت نقش‌هایی چون نان‌آور، مراقب فرزندان، خانه‌دار و مدیر عاطفی خانواده به‌طور هم‌زمان هستند. این وضعیت نه‌تنها موجب خستگی جسمی و روانی می‌شود، بلکه توانایی آن‌ها را در ایفای مطلوب هر یک از نقش‌ها به چالش می‌کشد (سارتور^۵ و همکاران، ۲۰۲۲: ۸۹-۹۱).

1 Role Strain

2 Work-Family Spillover Theory

3 William Joseph Goode

4 Pascale

5 Sartor

گود در توضیح «تعارض نقش» به این موضوع می‌پردازد که ممکن است انتظارات مرتبط با نقش‌های مختلف فرد با یکدیگر ناسازگار یا متضاد باشند. برای مثال، زنی که باید هم در محل کار حضور فعال و مسئولانه‌ای داشته باشد و هم مراقبت از فرزندان و مدیریت خانه را بر عهده گیرد، ممکن است با تعارض نقش مواجه شود؛ تعارضی که می‌تواند به اضطراب، احساس گناه، یا ناتوانی در انجام وظایف روزمره بینجامد. وی این وضعیت را بخشی از واقعیت زندگی مدرن می‌داند که با افزایش نقش‌های اجتماعی، احتمال وقوع تعارض نیز افزایش می‌یابد (کولیک^۱، ۲۰۲۵: ۳۱-۴۲).

بر اساس مدل گرین‌هاوس و بیوتل^۲ (۱۹۸۵)، سه نوع اصلی تعارض کار - خانواده وجود دارد: تعارض مبتنی بر زمان^۳: زمانی رخ می‌دهد که وقت اختصاص یافته به یک نقش، انجام الزامات نقش دیگر را دشوار می‌سازد. تعارض مبتنی بر فشار/تنش^۴: هنگامی ایجاد می‌شود که فشار یا تنش ناشی از مشارکت در یک نقش، انجام الزامات نقش دیگر را دشوار کند و تعارض مبتنی بر رفتار^۵: زمانی رخ می‌دهد که رفتارهای خاص مورد نیاز در یک نقش، انجام الزامات رفتاری در نقش دیگر را دشوار می‌سازد (آلن^۶ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۷).

رابرت کینگ مرتن^۷ (۱۹۶۸) نیز با طرح مفهوم مجموعه نقش^۸ بر این نکته تأکید می‌کند که هر فرد در یک موقعیت اجتماعی مشخص، با مجموعه‌ای از انتظارات از سوی گروه‌های مختلف روبه‌روست. در مورد زنان سرپرست خانوار، این انتظارات می‌توانند از سوی فرزندان، محیط کار، خویشاوندان، و جامعه به‌طور هم‌زمان مطرح شوند و در مواردی با یکدیگر در تعارض قرار گیرند (یوسفی و همکاران^۹، ۲۰۲۰: ۲). از منظر مرتن، ناتوانی در هماهنگی این انتظارات می‌تواند منجر به تعارض درون‌نقشی شود که ریشه در ساختارهای اجتماعی دارد؛ به‌ویژه در بستری که زنان هم‌زمان باید نقش‌های سنتی جنسیتی و الزامات مدرن اقتصادی را بر عهده گیرند. این تعارض‌ها می‌توانند در بلندمدت به فرسودگی، کاهش رضایت از زندگی و حتی بازتعریف هویت اجتماعی فرد منجر شوند (کومار^{۱۰}، ۲۰۲۰: ۳۵۸).

1 Kulik

2 Greenhaus & Beutell

3 Time-based conflict

4 Strain-based conflict

5 Behavior-based conflict

6 Allen

7 Robert King Merton

8 Role Set

9 Yoosefi

10 Kumar

نظریه سرریز کار-خانواده نیز در تبیین پیامدهای هم‌زمانی نقش‌ها مهم است. بر اساس این نظریه، تجارب، هیجانات و استرس‌های ناشی از یک حوزه (مانند محل کار) می‌توانند به طور خودبه‌خود به حوزه دیگر (مانند خانواده) منتقل شوند. سرریز منفی هنگامی رخ می‌دهد که خستگی و فشارهای کاری، توان روانی و جسمی فرد را برای ایفای نقش‌های خانوادگی کاهش دهد. از سوی دیگر، سرریز مثبت زمانی تحقق می‌یابد که مهارت‌ها، عزت‌نفس یا حمایت اجتماعی ناشی از اشتغال، موجب ارتقا کیفیت روابط خانوادگی و ایفای بهتر نقش‌های خانگی شود (گراهام ال. استینز^۱، به نقل از اینگبیدون^۲، ۲۰۲۴: ۲). در مورد زنان سرپرست خانوار، باتوجه‌به میزان بالای فشار اقتصادی و عاطفی، احتمال وقوع سرریز منفی بسیار بالاست (آروموگام^۳، ۲۰۲۳: ۲۰۹-۲۱۱).

و در نهایت، نظریه بار نامرئی از آرلی راسل هوچشیلد^۴ (۱۹۸۹)، به تحلیل کارهای بدون مزد و نادیده‌گرفته‌شده‌ای می‌پردازد که اغلب بر دوش زنان، به‌ویژه زنان شاغل، قرار دارد. وی نشان می‌دهد که زنان پس از پایان ساعات کاری رسمی، وارد شیفت دوم می‌شوند: وظایف خانه‌داری، مراقبت از کودکان، مدیریت امور خانه و تنظیم عواطف خانوادگی. همچنین وی مفهوم «کار عاطفی»^۵ را معرفی می‌کند که به مدیریت احساسات برای رفع انتظارات اجتماعی اشاره دارد. این نوع کار که اغلب در زنان تجلی می‌یابد، بخشی از بار نامرئی و فشار ذهنی^۶ است که حتی در زمان‌های استراحت نیز فرد را درگیر می‌کند این وضعیت می‌تواند منجر به فرسودگی روانی، محدودشدن فرصت‌های شغلی و بازتولید نابرابری‌های ساختاری جنسیتی شود (والزر^۷، ۱۹۹۸: ۴۵).

هر یک از نظریه‌های بررسی‌شده ابعاد متفاوتی از تجربه هم‌زمانی نقش‌ها در زنان سرپرست خانوار را روشن می‌کنند. بااین‌حال به نظر می‌رسد که سبب پیچیدگی‌های نقش‌های متعدد و بارهای پنهان زنان سرپرست خانوار، اهمیت و جامعیت دو نظریه تعارض نقش و بار نامرئی برای تحلیل داده‌ها بیشتر باشد؛ نظریه تعارض نقش به دلیل تأکید آن بر ناسازگاری انتظارات اجتماعی از نقش‌های هم‌زمان و پیامدهای روانی و عملکردی آن، و نظریه بار نامرئی در زمینه کارهای نادیده‌گرفته‌شده، بی‌مزد و عاطفی که بر دوش زنان و با شدت بیشتر بر دوش زنان سرپرست خانوار به عنوان جامعه مورد مطالعه این تحقیق است.

1 Graham L. Staines

2 Inegbedion

3 Arumugam

4 Arlie Russell Hochschild

5 Emotional Labor

6 Mental Load

7 Walzer

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی به دنبال درک عمیق تجربه‌های زیسته زنان سرپرست خانوار در مواجهه با دشواری‌های ناشی از هم‌زمانی نقش‌های شغلی و خانوادگی و شیوه‌های مواجهه آنان با این شرایط در زندگی روزمره است. پدیدارشناسی مطالعه پدیده‌ها را به‌عنوان امری تجربه شده و معنادار از منظر فرد می‌داند (راچر و رابینسون^۱، ۲۰۰۳؛ مانن^۲، ۲۰۰۷) و در این رویکرد، تمرکز اصلی مصاحبه‌ها بر بازنمایی تجربه‌های شخصی و تفسیرهای افراد از جهان پیرامونشان است (کاکولو^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). در این راستا، ۲۶ زن سرپرست خانوار ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد و مراجعه‌کننده به یک مؤسسه خیریه در محله النیمور، به روش نمونه‌گیری هدفمند و با مشورت مدیر مجموعه انتخاب شدند. معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌گونه‌ای بود که تنوع قابل‌توجهی در ویژگی‌های فردی و خانوادگی از جمله مدت‌زمان سرپرستی، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، نوع شغل و سابقه اشتغال وجود داشته باشد، درحالی‌که همه آنان دارای ویژگی مشترک سرپرستی خانوار و زندگی در سکونتگاه غیررسمی بودند.

محقق با پایبندی به‌قاعده غوطه‌وری^۴، حضور مستمر و تعامل نزدیک روزانه با مشارکت‌کنندگان داشت تا به فهم عمیق‌تر موضوع برسد. با این رویکرد مصاحبه‌ها به مدت ۵۰ تا ۶۰ دقیقه در فضایی غیررسمی و از طریق ایجاد رابطه چهره به چهره با زنان مورد مطالعه انجام شد. ابزار مورد استفاده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشتمل بر سوالات باز و موضوع محور بود که محقق آن‌را با انجام چند مصاحبه اکتشافی اولیه تهیه کرده بود. مصاحبه‌های انجام شده با نگرشی همدلانه و با هدف واکاوی و توصیف مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های شغلی و خانوادگی و همچنین بررسی شیوه‌های مواجهه با مشکلات بود. مصاحبه‌ها تا اشباع داده‌ها یعنی مرحله‌ای که محقق دریافت داده‌های جدید صرفاً نتایج قبلی را تکرار می‌کند و مقوله‌ی جدیدی پدید نمی‌آید، ادامه داشت.

پس از انجام هر مصاحبه، داده‌های ضبط شده، پیاده‌سازی و به متن تبدیل می‌شد و مراحل کدگذاری و طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیو دی ای^۵» و به روش تحلیل موستاکاس^۶ (۱۹۹۴)، انجام شد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

1 Racher & Robinson

2 Manen

3 Kakulu

4 Immersion

5 maxqda

6 Moustakas

فرایند پژوهش شامل شش مرحله بود: (۱) بیان مسئله و پرسش‌های تحقیق، (۲) تشریح روش‌شناسی شامل مفروضات پدیدارشناختی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، (۳) استخراج گزاره‌های معنادار، (۴) تبیین معانی گزاره‌ها، (۵) شناسایی تم‌های اصلی و (۶) توصیف جامع پدیده مورد مطالعه (کرسول^۱، ۲۰۰۷: ۸۰). برای نظم‌دهی و تحلیل داده‌ها، پس از هر مصاحبه، صوت گفتگو به متن تبدیل و داده‌های خام پالایش شد. سپس متن مصاحبه به گزاره‌های معنادار تفکیک و در فرایندی نظام‌مند کدگذاری گردید. کدگذاری، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها باهدف استخراج مفاهیم و پیامدهای نهفته در داده‌ها انجام گرفت. این فرایند، طبق رویه توصیه‌شده فلیک، انتقال تدریجی یافته‌ها از مطالعه مورد و بستر مطالعه آن به سطح روابط انتزاعی و عام‌تر (تیپولوژی)^۲ بود (فلیک^۳، ۱۳۸۷: ۴۳۹).

اعتبارپذیری یافته‌ها نیز بر اساس شاخص‌های قابلیت اعتبار^۴، قابلیت انتقال‌پذیری^۵، قابلیت اطمینان^۶ و قابلیت تأییدپذیری^۷ (ایگن گوبا^۸ و ایوونا لینکلن^۹، به نقل از احمد^{۱۰}، ۲۰۲۴). بود. به این منظور برای تضمین اعتبار، بازخورد مشارکت‌کنندگان دریافت و بازبینی همکاران پژوهشگر در رشته جامعه‌شناسی انجام شد. پایداری داده‌ها با ثبت دقیق فرایند و بازخوانی مکرر حفظ گردید. انتخاب هدفمند نمونه‌ها قابلیت انتقال‌پذیری را تقویت کرد. همچنین، مستندسازی یافته‌ها، استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم و کدگذاری موازی توسط تحلیل‌گران مستقل، تأییدپذیری نتایج را افزایش داد. لازم به ذکر است که محققان به اصول اخلاقی پایبند بوده و اطلاعات مشارکت‌کنندگان محرمانه نگه داشته شد. مصاحبه‌ها با رضایت انجام مشارکت‌کنندگان شد. یکی از چالش‌های اصلی، انصراف برخی شرکت‌کنندگان به دلیل یادآوری خاطرات تلخ بود که با رعایت اخلاق، مصاحبه‌ها متوقف و با افراد دیگر ادامه یافت؛ امری که زمان قابل توجهی از پژوهشگر گرفت.

یافته‌های پژوهش

توصیف سیمای مشارکت‌کنندگان

1 Creswell & Poth
1 typology
3 Flick
4 Credibility
5 Transferability
6 Dependability
7 Confirmability
8 Egon G. Guba
9 Yvonna S. Lincoln
10 Ahmed

این تحقیق شامل مصاحبه با ۲۶ زن سرپرست خانوار با تنوع در وضعیت تأهل و سن بود. مشخصات کلی این مشارکت‌کنندگان در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل / تأمین مالی	وضعیت تأهل	میزان درآمد ماهیانه زن (تومان)	تعداد فرزندان
۱	معصومه	۴۱	اول راهنمایی	کارگر خانگی، یارانه	مطلقه	۲.۵۰۰.۰۰۰	۴
۲	فرزانه	۴۵	پنجم دبستان	کار در خانه و بسته‌بندی، یارانه	متأهل	۱.۰۰۰.۰۰۰	۲
۳	ریحانه	۳۹	بی‌سواد	کشاورزی و بسته‌بندی در شرکت، یارانه	بیوه	۲.۶۰۰.۰۰۰	۵
۴	جوهر	۵۲	پنجم نهضت	قالی‌بافی در گذشته و بیکار در حال حاضر (حمایت کمیته امداد)، یارانه	بیوه	۲.۳۰۰.۰۰۰	۳
۵	اشرف	۷۰	چهارم نهضت	تسبیح کشیدن، رایانه و حقوق همسر	بیوه	۶.۰۰۰.۰۰۰	۸
۶	اکرم	۴۱	پنجم دبستان	جویای کار و تحت حمایت کمیته امداد، یارانه	بیوه	۱.۲۰۰.۰۰۰	۵
۷	فاطمه	۳۲	پنجم دبستان	خانه‌دار هتل - حمایت کمیته امداد، یارانه	مطلقه	۲.۵۰۰.۰۰۰	۲
۸	کبری	۴۰	پنجم دبستان	کارگر خانگی	مطلقه	۳.۳۰۰.۰۰۰	۱
۹	راضیه	۴۱	سیکل	خانه‌دار هتل، حمایت کمیته امداد	مطلقه	۴.۷۸۰.۰۰۰	۱
۱۰	اعظم	۳۰	سیکل	خیاطی، یارانه	مطلقه	۱.۸۵۰.۰۰۰	بدون فرزند
۱۱	زهرا	۳۷	ششم ابتدایی	کارگر خانگی و حمایت کمیته امداد، یارانه	مطلقه	۵.۴۰۰.۰۰۰	۲
۱۲	طیبه	۳۹	دیپلم	ماساژدرمانی، یارانه	زندگی جدا، بدون طلاق	۸۰۰.۰۰۰	۱
۱۳	فریناز	۴۳	پنجم ابتدایی	کارگر خانگی، یارانه	مطلقه	۳.۰۰۰.۰۰۰	۳
۱۴	صغری	۴۶	پنجم ابتدایی	کارگر خانگی، اجاره منزل	زندگی جدا، بدون طلاق	۷۵۰.۰۰۰	۲
۱۵	عفت	۴۵	پنجم ابتدایی	پاک‌کردن زعفران و سبزی، بسته‌بندی و حمایت کمیته امداد، یارانه	مطلقه	۷۰۰.۰۰۰	۱
۱۶	مریم	۵۸	بی‌سواد	کارگر خانگی، پاک‌کردن زعفران و حمایت کمیته امداد	بیوه	۲.۵۰۰.۰۰۰	۵
۱۷	رقیه	۶۰	چهارم ابتدایی	حمایت کمیته امداد کارگر خانگی، تسبیح نکردن پسته شکستن رسیدن پشم	بیوه	۲.۰۰۰.۰۰۰	۸
۱۸	مرضیه	۴۷	پنجم دبستان	ساخت روغن گیاهی، گرفتن استخاره، کارگر کارخانه، حمایت کمیته امداد	مطلقه	۳.۰۰۰.۰۰۰	۱
۱۹	فاطمه	۴۲	ابتدایی	کارگر خانگی، حمایت بهزیستی، کارگر کفاشی، یارانه	متأهل	۱.۵۰۰.۰۰۰	۲
۲۰	معصومه	۴۴	ابتدایی	کارگر خانگی، کارگر کارخانه بهزیستی، یارانه	متأهل	۲.۵۰۰.۰۰۰	۴
۲۱	سکینه	۶۹	چهارم ابتدایی	قالی‌بافی، حمایت کمیته امداد، یارانه، زدن سوپرمارکت	بیوه	۳.۰۰۰.۰۰۰	۷
۲۲	خیرالنسا	۵۲	پنجم ابتدایی	کارگر خانگی، یارانه	متأهل	۲.۵۰۰.۰۰۰	۳
۲۳	حلیمه	۴۳	دوم ابتدایی	کارگر خانگی، کارگر کارخانه خیاطی و گل‌دوزی	متأهل	۳.۰۰۰.۰۰۰	۴
۲۴	اقدس	۳۹	سیکل	فروشنده مغازه لباس‌فروشی	بیوه	۲.۰۰۰.۰۰۰	۱
۲۵	زینب	۴۸	پنجم ابتدایی	کارگر خانگی	متأهل	۵.۰۰۰.۰۰۰	۲
۲۶	نرگس	۲۹	دیپلم	کارگر خانگی	متأهل	تازه سرپرست	۲

یافته‌های تحلیلی

در این تحقیق تعارض نقش برای زنان سرپرست خانوار، اشاره به فشارها و محدودیت‌هایی دارد که از تداخل و ناسازگاری مسئولیت‌ها و انتظارات در نقش‌های شغلی و خانوادگی آنها پدید می‌آید. زنان به دلیل مسئولیت‌های چندگانه و فزاینده ناشی از سرپرستی خانواده (مانند تأمین معاش، مراقبت از فرزندان، و مدیریت امور خانه و...) و هم‌زمانی این نقش‌ها با وظایف شغلی، با مشکلات مختلف مواجه می‌شوند. به‌گونه‌ای که انجام موفقیت‌آمیز وظایف در یکی از این نقش‌ها، مانع یا محدودکننده انجام وظایف در نقش دیگر آنها می‌شود. اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه با زنان سرپرست خانوار در سکونتگاه غیررسمی التیمور مشهد نشان داد این تعارض‌ها می‌تواند به شکل‌های مختلف در زندگی این زنان بروز کند. طبق فرایند کدگذاری، چهار کد اصلی از داده‌ها استخراج شد. هر یک از این کدهای اصلی همراه با کدهای فرعی مرتبط در جدول زیر ارائه شده است و در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱: کدهای اصلی و فرعی استخراج‌شده از داده‌ها

کد اصلی	کد فرعی
تعارض کار - خانواده	تعارض مبتنی بر زمان، تعارض مبتنی بر فشار (روانی - عاطفی - جسمی)
تعارض خانواده - کار	مراقبت از فرزند / سالمند / بیمار، حواس‌پرتی و عدم تمرکز، تنش‌های عاطفی خانوادگی، نبود پشتوانه اجتماعی و خانوادگی
تعارض درون نقشی	تضاد هنجارهای سنتی - مدرن، توقعات ناسازگار نسبت به فرزندان، تضاد نقش‌های مادری و نان‌آوری، تضاد بین وظایف خانه و مراقبت از فرزندان، اجرای نقش دوگانه پدری و مادری
تعارض هنجاری - فردی و خانوادگی	فشارهای فرهنگی و اجتماعی، کمبود منابع مالی/حمایتی، فقر و مشکلات اقتصادی

در این بخش، نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود که به‌عنوان شواهدی مرتبط با کدهای اصلی و فرعی تحلیل، به فهم عمیق‌تر مفاهیم کمک می‌کنند.

۱. تعارض کار- خانواده^۱

به وضعیتی اشاره دارد که در آن انتظارات، مسئولیت‌ها و الزامات در محیط کاری (مانند ساعت‌های طولانی کار، فشار شغلی یا وظایف اضافی و...) مانع ایفای نقش خانوادگی زنان سرپرست می‌شود. این تعارض می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظاهر شود.

- تعارض مبتنی بر زمان:

این تعارض زمانی پدید می‌آید که الزامات شغلی، زمان و انرژی لازم برای ایفای نقش‌های خانوادگی را به شدت محدود می‌سازد. به نظر می‌رسد در مورد زنان سرپرست خانوار، این وضعیت به شکل حاد ظاهر می‌شود. در این خصوص می‌تواند به مشکلاتی مانند غیبت در رویدادهای مهم خانوادگی، ناتوانی در همراهی و نظارت بر امور روزمره فرزندان، یا اختلال در مدیریت امور خانه، کاهش کیفیت تعاملات و روابط عاطفی درون خانواده و... منجر شود.

"مثلاً روزی بود که می‌خواستم برای پسر بزرگم خواستگاری برم. هم‌زمان صاحب کارم مهمانی داشت. باید شب می‌آمدم و شیرینی و گل می‌گرفتم که می‌خواستیم بله برون بریم. آن‌قدر برام سخت بود که نفهمیدم روز رو چطور گذراندم. فقط می‌خواستم بیایم بیرون که برم این چیزها را برای بچه‌ام بگیرم. بعد دیدم وقت خیلی تنگه... نمی‌شه... زنگ زدم به یکی از دوستانم گفتم بیا برو این چیزها رو بگیر. من پولش و بعه برات می‌ریزم. خیلی جاها این موقعیت‌ها برام پیش آمده."

• تعارض مبتنی بر فشار روانی، عاطفی، جسمی

این تعارض زمانی است که تنش، اضطراب، خستگی یا افسردگی ناشی از فشار کاری باعث می‌شود زنان نتوانند به خوبی نقش خانوادگی خود را ایفا کنند. گاهی این تعارض روانی است.

"از بس تو کار استرس دارم، کوچک‌ترین شیطنت بچه‌ها عصبانی‌ام میکنه."

تجربه تعارض عاطفی این زنان در ارتباط با اعضای خانواده بسیار گسترده و پررنگ است.

"دوست دارم خانه و کنار بچه هام باشم. بیرون بیرمشون، زیارت ببرم. پنج و نیم صبح که از خواب بیدار می‌شوم نماز می‌خوانم. دیگه ساعت شش و نیم سرویس میاد می روم سرکار. ساعت شش عصر هم که بر می‌گردم، این قدر خسته‌ام که دیگه حال ندارم با این بچه‌ها صحبت کنم. جایی ببرم و کاری بکنم."

این فشار زمانی بر زنان به صورت جسمی بروز می‌کند. یکی از زنان بیان می‌کند:

"کارم خیلی سخته... وقتی به خانه می‌آیم، انرژی ندارم. وقتی بیرون کار می‌کنی، خسته می‌ای خونیه. می‌بینی ریخت و پاشه و بچه‌ها فردا امتحان دارن و باید برن مدرسه یا فردا بله برون بچه‌ها هست یا باید برای بچه‌ها بری خواستگاری. اینها برای بک زن سخته دیگه."

۲. تعارض خانواده - کار^۱

این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که مسئولیت‌های خانوادگی (مانند مدیریت امور خانه‌داری، تربیت و مراقبت از فرزندان، تأمین مخارج زندگی، رسیدگی به آموزش و سلامت اعضای خانواده و مقابله با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و...) به اندازه‌ای سنگین باشد که توان زنان سرپرست خانوار را در انجام وظایف شغلی کاهش دهد و عملکرد شغلی را مختل می‌کند.

• مراقبت از فرزند، سالمند، بیمار:

مراقبت از فرزندان، سالمندان یا افراد بیمار، مجموعه‌ای از وظایف پیچیده و مستمر است که نیازمند تأمین نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی آنان است و به دلیل شدت و استمرار این مسئولیت‌ها، بار و فشار قابل توجهی بر دوش زنان سرپرست خانوار تحمیل می‌کند. این مراقبت‌ها شامل کمک در انجام فعالیت‌های روزمره (مانند بهداشت فردی، تغذیه، مدیریت داروها، همراهی در فرایند درمان و ارائه حمایت‌های عاطفی) است که به دلیل نیاز به صرف زمان، انرژی و توجه مستمر، توانایی زنان را در انجام وظایف شغلی محدود می‌سازد.

تجربه یکی از مشارکت‌کنندگان درباره مواجهه با بیماری فرزند درحالی که شاغل است، بیانگر فشارهای ناشی از تعارض خانواده - کار است:

"دیروز پسرَم تب داشت، مجبور شدم مرخصی بگیرم. رئیس گفت: "باز هم بچهاست مریضه!؟"

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان درباره مراقبت از مادر سالمندش، می‌گوید:

"مادرم مریض است و باید مراقبش باشم."

مشارکت‌کننده دیگری به دلیل مراقبت از فرزندان خردسال و مشکلات ناشی از آن برای کار کردن می‌گوید:

"چون بچه کوچک دارم نمی‌توانم برم جایی ثابت کار کنم. نه می‌توانم با خودم ببرم و نه می‌توانم تو خونه تنهاشون بذارم."

تجربه یکی دیگر از زنان سرپرست خانوار که به دلیل غریب بودن در شهر، فاقد حمایت اجتماعی برای مراقبت از فرزندان خود است، چنین است:

"بچه‌هایم کوچک هستند. نمی‌توانم تنها بگذارمشان. هیچ‌کسی را هم اینجا ندارم که بگذارم و برم شرکتی و جایی کار کنم."

• حواس پرتی و عدم تمرکز

حواس‌پرتی و کاهش تمرکز زنان سرپرست خانوار در محیط کار عمدتاً ناشی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های مرتبط با مسئولیت‌های خانوادگی آنهاست. این وضعیت، توانایی آنها را در انجام وظایف شغلی و کیفیت عملکرد کاری تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به‌طوری‌که یکی از مشارکت‌کنندگان از درگیری ذهنی مربوط به امور خانه می‌گوید:

"سر جلسه کاری مادام ذهنم درگیر اینه که شام چه بپزم، قبض رو پرداخت کردم یا نه و ..."

و گاهی این عدم تمرکز مربوط به فرزند است

"من ساعت هشت، ساعت کاریم است و سه ساعت هم تو مسیرم برای رفت و برگشتم. دو تا بچه کوچک دارم. یکیشون شیفت صبحه و اون یکی دیگه شیفت ظهره. دیگه فکر و ذکرم پیش این‌هاست. هی بچه‌هایم زنگ می‌زن که یکی اومد دم در، درو باز کنم یا نکنم؟ با خودم میگم نکنه دزد باشه... دیگه زمستان‌ها همش می‌بینی اینا مریض هستند، ولی من مجبورم برم سرکار. نمی‌تونم هی بگم بچه‌ام مریضه. دیگه سر کارم، اما همه فکر و ذهن و روحم اینجاست که نکنه تب این بچه بره بالا، تشنج نکنه، این‌طوری نشه و اون‌طوری نشه... مادام تو فکرم که خدایا این با کی رفت مدرسه؟ کی بلند شد، گشته رفت مدرسه یا نه؟."

و زمانی این حواس‌پرتی در محل کار ناشی از مریض بودن همسر یا دیگر اعضای خانواده است.

"ناراحت بودم که یک‌وقتی شوهرم تو خانه تشنج بگیره بچه‌ها تو خانه کاری نمی‌تونستن بکنن. نگران بودم. این قدر استرس داشتم برای بچه‌ها و برای شوهرم، سرکار غش می‌کردم. شوهرم مریضه و همش تشنج می‌کنه."

• تنش‌های عاطفی خانوادگی

فشارهای عاطفی در محیط خانواده شامل اضطراب، نگرانی و خستگی روانی است که در پی مواجهه با چالش‌هایی مانند مراقبت از فرزندان یا سالمندان، مدیریت بحران‌های خانوادگی و تأمین نیازهای عاطفی اعضای خانواده برای این زنان ایجاد می‌شود و بر توانایی آنها در انجام وظایف شغلی تأثیر منفی می‌گذارد. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

"مشکلات خانوادگی مانع تمرکز من در کار می‌شود."

• نبود پشتوانه اجتماعی و خانوادگی

کمبود یا فقدان منابع ارزشمند عاطفی، عملی و روانی از سوی خانواده و شبکه‌های اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را در مواجهه با پیچیدگی‌های هم‌زمان نقش‌های خانوادگی و شغلی، در تنگنای دشواری‌ها قرار می‌دهد. این خلأ حمایتی، بار روانی و

جسمانی آنان را سنگین تر ساخته و توانایی و تمرکزشان را برای ایفای وظایف حرفه‌ای به شدت محدود می‌سازد. گاهی این تنهایی و نبود حمایت در شیرین‌ترین لحظات زندگی یک زن اتفاق می‌افتد.

"وقتی بچه هام می‌خواستن داماد بشوند، برام خیلی سخت بود. سواد اونچنانی ندارم، رسم و رسوم شهر رو آشنا نیستم... اینا می‌رفتن برای خرید و اینا... کاغذ بنویسند و.... حساب کن هیچ‌کسی رو نداشتم، بچه‌ها عمو هم نداشتم."

مشارکت‌کننده دیگری از مسئولیت‌های چندگانه و نبود فرد دیگری در زندگی برای حمایت و همدلی می‌گوید:

"خودت فرض و قوله‌ها رو بدی، به فکر تربیت بچه‌ات باشی، تحصیلش، پوشیدنش... جلوی پسرخاله، دخترخاله سرش پایین نباشه. اینا همه مشکلاته دیگه... باید سعی کنم عادت کنم و به همه شون... ان شاء الله که اینها رو بزرگشان کنم."

نبود فردی حامی و یاریگر در حلقه نزدیک خانواده، درد و فشار زنان سرپرست خانوار را تشدید می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان این وضعیت را چنین توصیف می‌کند:

"خسورم (پدرشوهرم) فوت کرده... روحانی بود؛ ولی مادرشوهرم هست؛ اما حامی نیست. مادرشوهرم قبلاً بهم در حد یکم برنجی، یک بسته ماکارونی و چیزی می‌داد... الان چندساله که نمیده... میگه من خودم ندارم که به بقیه برسه."

۳. تعارض درون نقشی^۱

برای زنان سرپرست خانوار منظور از تعارض درونی نقش به معنای تجربه کشمکش و تضاد میان وظایف و انتظارات مختلفی است که در دل یک نقش واحد، مانند نقش مادری، وجود دارد. این تعارض زمانی رخ می‌دهد که زن ناچار است هم‌زمان چندین مسئولیت متناقض را در چارچوب همان نقش مدیریت کند؛ مثلاً باید هم‌زمان مراقبت عاطفی فرزندان را داشته باشد، افزون بر آن رسیدگی به نیازهای آموزشی فرزندان را برآورده سازد، در نتیجه با فشار روانی و سردرگمی ناشی از این تعارض مواجه می‌شود. این تعارض به شکل‌های مختلفی نمایان می‌شود.

• تضاد هنجارهای سنتی - مدرن:

تضاد هنجارهای سنتی و مدرن زمانی رخ می‌دهد که زنان سرپرست خانوار مجبورند هم‌زمان به هنجارهای جمع‌گرایانه و پایبندی به سنت‌های خانوادگی و درعین حال به ارزش‌های فردگرایانه و نیازهای زندگی مدرن پاسخ دهند؛ مثلاً درحالی که فرهنگ سنتی انتظار مراقبت کامل و حضور مستمر در خانواده را دارد، زندگی مدرن نیازمند استقلال و فعالیت‌های بیرونی است و درنهایت موجب سردرگمی و فشار روانی در مدیریت نقش‌ها می‌شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان این وضعیت را چنین بیان می‌کند:

1 Intra-Role Conflict

"از یک طرف میگویند تو زن هستی و باید تو خونه باشی و بچه رو تربیت کنی، از یک طرف میگویند زن باید مستقل باشه و کار کنه!"

- توقعات ناسازگار نسبت به فرزندان

توقعات ناسازگار نسبت به فرزندان در این مطالعه به مجموعه‌ای از انتظارات متضاد و گاه ناسازگار اطرافیان، جامعه یا خود مادر نسبت به فرزندان اطلاق می‌شود که زنان سرپرست خانوار را در مواجهه با این تضادها و مدیریت نیازهای متفاوت فرزندان دچار تعارض درونی می‌کند و پیچیدگی نقش مادری آنان را افزایش می‌دهد. برخی از این انتظارات متعارض به سلامت روان فرزند مربوط است؛ همان‌طور که یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

"الان برای این پسر بزرگم روان‌شناس گفته بیشتر به حضور من احتیاج داره که کنارش باشم؛ ولی خب من هشت تا نه ساعت سرکار هستم. بعد میام خسته کوفته لباسمو در نیوردم باید برم تو آشپزخانه. ظرف‌هایی که از صبح کثیف کردن رو بشورم، برای فرداشون ناهار بگذارم. دیگه کم میارم. کلاً از لحاظ جسمی و روحی خسته می‌شم. بعد چه جووری براش رفیق خوبی باشم و وقت بذارم وقتی خسته‌ام، اینا همش مشکلاته."

در مواردی نیز این توقعات از جانب فرزندان یا معلمان و مرتبط با مسائل آموزشی است:

"بچه‌ها میگویند 'مامان چرا همش خسته‌ای؟'، معلمشان میگه 'چرا به درسشان رسیدگی نمی‌کنید؟'"

- تضاد نقش‌های مادری و نان‌آوری

به تعارضی اشاره دارد که زنان سرپرست خانوار در مواجهه هم‌زمان با مسئولیت‌های مراقبتی و عاطفی مادری، وظیفه تأمین معیشت خانواده را دارند. فشار برای ایفای هم‌زمان این نقش‌ها، زنان را در شرایطی قرار می‌دهد که باید بین مراقبت از فرزندان و تأمین نیازهای مالی خانواده تعادل برقرار کنند. مسئله‌ای که می‌تواند بار روانی و جسمانی قابل‌توجهی بر زنان سرپرست تحمیل کند. یکی از مشارکت‌کنندگان این تجربه را چنین روایت می‌کند:

"باید هم مادر خوبی باشم و هم درآمد خانواده را تأمین کنم... وقتی پسرم خیلی کوچیک بود باید حواسم بهش می‌بود و دخترم هم مهد می‌رفت، خیاطی که می‌کردم توی خونه می‌نشستم و هم‌زمان سر پسرم و میزاشتم روی پایم و بهش قرآن، اصول و فروع دین را یاد می‌دادم..."

- تضاد بین وظایف خانه و مراقبت از فرزندان

تضاد بین وظایف خانه و مراقبت از فرزندان به مدیریت هم‌زمان امور منزل و نیازهای فرزندان اشاره دارد. اگرچه این دو حوزه مرتبط هستند، اما هر یک نیازمند زمان و انرژی متفاوتی بوده و گاهی با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند؛ برای مثال، انجام

کارهای خانه مانند پخت‌وپز و نظافت ممکن است فرصت کافی برای رسیدگی به مراقبت عاطفی و آموزشی فرزندان را محدود کند و برعکس. یکی از مشارکت‌کنندگان این وضعیت را چنین بیان می‌کند:

"به زندگی نمی‌رسم. همیشه از زندگی عقیم. الان که اوادم از سرکار تندتند خونه رو جارو کردم و جمع کردم. ظرف‌ها رو شستم. چون نمی‌رسم واقعاً. باید به درس و مشق بچم هم برسم. صبح باید بیرمش مدرسه بگذارم."

• اجرای نقش دوگانه پدری و مادری

به وضعیتی اشاره دارد که زنان سرپرست خانوار در هنگام برعهده گرفتن هم‌زمان مسئولیت‌های عاطفی و تربیتی مادری و وظایف اقتصادی و مدیریتی که معمولاً بر دوش پدران است، با آن مواجه می‌شوند. این زنان باید هم عشق و حمایت یک مادر را به فرزندان هدیه دهند، هم نقش تأمین‌کننده و تصمیم‌گیرنده اصلی خانواده را بر عهده داشته باشند؛ لذا با پیچیدگی‌های عمیقی روبرو می‌شود که هم سلامت روان و هم کیفیت زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روایت زیر نشان‌دهنده فشارهای مضاعف و دشواری‌های روانی و اقتصادی است که زنان سرپرست خانوار در تلاش برای حفظ تعادل میان نقش‌های مادری و نان‌آوری تجربه می‌کنند

"هم باید نان آور باشم و هم مراقب خانواده باشی... یادم می‌آید که توی خونه‌های مردم کار می‌کردم و سه تومان خونه رهن کرده بودم؛ ولی کرایه خونه نمی‌تونستم بدم، شوهرم بیکار بود... صاحب خونه وسایلامو انداخت بیرون."

۴. تعارض هنجاری - فردی و خانوادگی^۱

در این مطالعه منظور از تعارض هنجاری - فردی و خانوادگی به اختلاف و میان‌انتظارات و قوانین اجتماعی - فرهنگی با خواسته‌ها، باورها و نیازهای شخصی یا خانوادگی زنان سرپرست خانوار مربوط می‌شود. در این نوع از تعارض جامعه از زن انتظار دارد نقش‌های سنتی مانند مراقبت از خانواده را به‌خوبی انجام دهد، اما خود او به دنبال استقلال، پیشرفت و تحقق اهداف فردی و یا حتی اهداف مرتبط با خانواده است.

• فشار فرهنگی و اجتماعی:

¹ Normative-Individual and Family Conflict

- زنان سرپرست خانوار تحت فشار انتظارات و هنجارهای اجتماعی قرار دارند که آنها را ملزم می‌کند نقش‌های سنتی خانوادگی را به‌درستی ایفا کنند، درحالی‌که محدودیت‌ها و نیازهای فردی یا خانوادگی‌شان ممکن است با این انتظارات همخوانی نداشته باشد. چنان‌که یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

"مردم می‌گویند زن باید فقط خانه‌دار باشد؛ ولی من مجبورم کار کنم."

- فشار اقتصادی:

محدودیت زنان سرپرست خانوار در دسترسی به پول باعث می‌شود برای رسیدن به استقلال و اهداف فردی خود یا خانواده دچار مشکل شوند.

"حقوقم کفاف مهدکودک نمیده، مجبورم تو خونه از بچه مواظبت کنم و هم‌زمان کار هم بکنم."

گاهی فقر اقتصادی نه‌تنها بار مالی، بلکه بار روانی ناشی از این تعارض را هم پدید می‌آورد. زنان سرپرست نمی‌توانند مشابه خانواده‌های دیگر تفریح و نیازهای عادی و روزمره اعضای خانواده را تأمین کنند. مانند این تجارب:

"گاهی پول ندارم که غذای کافی برای بچه‌ها بخرم... مثلاً بچه‌ها جوان بودن می‌رفتند بیرون و یا می‌گفتند دوستم این و خریده و منم نتوانستم چیزی براشون بخرم در حدی که شکمشان رو بتونم سیر کنم. مثلاً میومدن می‌گفتند دوستامون میرن رستوران، میرن تفریح، میرن مسافرت و من اصلاً نتوانستم هیچ کاری براشون بکنم. نه جایی بردمشان، نه رخت و لباس آن‌چنانی براشون خریدم."

در این خانواده‌ها، ناتوانی در برآورده کردن خواسته‌ها و آرزوهای ساده کودکان به دلیل محدودیت‌های مالی به‌وضوح دیده می‌شود. نظیر روایت زیر:

"بارها شده بچه‌ام گفته دوچرخه می‌خوام... دوستام دوچرخه دارن... یا دخترم رفته بود خونه دوستش از این تاب‌ها هست که تو خونه میدارن، از اونا خواست... گفتم ندارم... قیمتش پنج شش میلیون بود. گفتم ندارم دخترم. خیلی چیزها ازم خواستن نتوانستم."

این فشار روانی تنها محدود به تأمین نیازهای روزمره فرزندان نیست، بلکه گاهی با مسائل جدی‌تر مانند تهیه وسایل و هزینه‌های مربوط به تشکیل خانواده آنها نیز همراه است. مثلاً یکی از تجارب این زنان چنین است:

"الان برای یکی از پسرهایم باید مویایل بگیرم... اون پسر دیگه ام رو نامزدش کردم. نمی‌دونم چه جویری وسایلش را تهیه کنم. برارش سیزده تا وسیله سنگین نوشتن. تو روستاها رسمه اخه. الان نمی‌دوم از کجا بیارم. اگر کمتر بدیم، می‌گن مگه دختر ما چی از فلانی کمتر داشت. الان یک ماه چهل روزی هست ازدواج کردن ولی هنوز خونه خودشان نرفتند. منتظرند وسایل شون رو بگیریم."

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسانه و تمرکز بر تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار ساکن سکونتگاه غیررسمی التیمور مشهد، توانست ابعاد پیچیده و پنهان تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی و پیامدهای آن را توصیف و تحلیل کند. این مطالعه با اتکا به چهارچوب نظری مبتنی بر نظریه‌های فشار نقش (گود، ۱۹۶۰)، تعارض نقش (گود، گرین‌هاوس و بیوتل، ۱۹۸۵، مرتن، ۱۹۶۸)، سرریز کار-خانواده و بار نامرئی (هوخشیلد، ۱۹۸۹)، نشان داد که زنان سرپرست خانوار در شرایط نابرابر ساختاری و اجتماعی، بار مضاعف مسئولیت‌ها و انتظارات متعارض را بر دوش می‌کشند؛ وضعیتی که نه تنها کیفیت زندگی فردی و خانوادگی آنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بازتولید نابرابری‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری اجتماعی را تشدید می‌کند.

مطابق نظریه فشار نقش، زنان سرپرست خانوار ناچار به ایفای هم‌زمان نقش‌های نان‌آوری، مراقبت از فرزندان، خانه‌داری و مدیریت عاطفی خانواده هستند. یافته‌های این پژوهش، در همسویی با مطالعات قادری و همکاران (۱۴۰۱)، احمدی و همکاران (۱۴۰۱) و پانامپیتیا (۲۰۲۱)، نشان داد که این هم‌زمانی نقش‌ها منجر به کمبود شدید زمان، انرژی و حمایت اجتماعی شده و زنان را به فرسودگی جسمی و روانی دچار می‌کند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان، خستگی مفرط، احساس ناکامی در ایفای نقش‌ها و ناامیدی نسبت به آینده را گزارش کردند که با تأکید گود بر ضرورت توسعه استراتژی‌های مقابله‌ای برای مدیریت تعارضات نقش همخوانی دارد.

نظریه تعارض نقش نیز تأیید کرد که زنان سرپرست خانوار با ناسازگاری انتظارات نقش‌های مختلف مواجه‌اند؛ وضعیتی که به اضطراب، احساس گناه و ناتوانی در انجام وظایف روزمره منجر می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات سفیری و عرب‌پور (۱۴۰۰)، رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۳) و شیبانی و زارع (۱۳۹۸) همسو است که تعارض نقش را پدیده‌ای فراگیر و آسیب‌زا در زندگی زنان سرپرست خانوار معرفی کرده‌اند. همچنین، بر اساس مدل گرین‌هاوس و بیوتل (۱۹۸۵)، سه نوع تعارض مبتنی بر زمان، فشار و رفتار در روایت‌های مشارکت‌کنندگان قابل شناسایی بود؛ به‌ویژه تعارض زمانی (کمبود وقت برای مراقبت از فرزندان و انجام وظایف شغلی) و تعارض فشار (انتقال استرس شغلی به فضای خانه و برعکس) برجسته بود.

نظریه مجموعه نقش مرتن (۱۹۶۸) نیز در تبیین یافته‌ها نقش مهمی ایفا کرد؛ زنان سرپرست خانوار با انتظارات متضاد از سوی فرزندان، محیط کار، خویشاوندان و جامعه مواجه‌اند که ناتوانی در هماهنگی آن‌ها منجر به تعارض درون‌نقشی و بازتعریف هویت اجتماعی می‌شود. این یافته با مطالعات یوسفی لبنی و همکاران (۲۰۲۰) و احمدی و همکاران (۱۴۰۱) مطابقت دارد.

از منظر نظریه سرریز کار-خانواده، پژوهش نشان داد استرس‌ها و هیجانات منفی ناشی از محیط کار به طور مستقیم به فضای خانواده منتقل می‌شود و برعکس؛ به‌ویژه در شرایط فقدان حمایت اجتماعی و نهادی کافی. این سرریز منفی به کاهش کیفیت روابط خانوادگی، افزایش تعارضات و تضعیف سلامت روانی منجر می‌شود. یافته‌های حاضر با مطالعات آروموگام (۲۰۲۳) و شارما (۲۰۲۳) هم‌خوان است که بر نقش مخرب سرریز منفی در تضعیف کارکردهای خانوادگی و شغلی زنان سرپرست خانوار تأکید دارند.

نظریه بار نامرئی هوشبیلد (۱۹۸۹) به‌ویژه در تحلیل کارهای بدون مزد و مدیریت عاطفی خانواده، ابزاری کارآمد برای فهم فشارهای پنهان زنان سرپرست خانوار فراهم کرد. زنان مورد مطالعه علاوه بر وظایف شغلی، مجبور به انجام حجم زیادی از کارهای خانگی و مراقبتی بدون دستمزد هستند؛ وضعیتی که فرصت‌های اشتغال مؤثر و ارتقای اقتصادی را محدود کرده و به فرسودگی روانی و جسمی آنان دامن می‌زند. این نتایج با یافته‌های شارما (۲۰۲۳)، تبریزی کاهو و همکاران (۲۰۲۳) و هویوس و همکاران (۲۰۱۶) در خصوص بار نامرئی و کار عاطفی زنان سرپرست خانوار مطابقت دارد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار ساکن سکونتگاه غیررسمی التیمور مشهد در چرخه‌ای از فشار نقش، تعارض نقش، سرریز منفی و بار نامرئی گرفتار شده‌اند؛ چرخه‌ای که با ضعف حمایت‌های نهادی، تبعیض ساختاری و انگ اجتماعی تشدید می‌شود. باوجود اتخاذ راهبردهای فردی برای سازگاری، محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی امکان خروج آنان از چرخه آسیب را بسیار دشوار ساخته است.

این پژوهش، همسو با مطالعات پیشین، بر ضرورت بازنگری جدی در سیاست‌های حمایتی، تقویت برنامه‌های توانمندسازی، آموزش مهارت‌های زندگی و شغلی و اصلاح نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانوار تأکید دارد. توجه به ابعاد پنهان و نامرئی زندگی این زنان، شرط لازم برای ارتقای کیفیت زندگی و کاهش آسیب‌های ناشی از تعارض نقش و فشارهای چندگانه است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات چندبعدی و سیاست‌گذاری‌های جامع در حوزه رفاه اجتماعی و عدالت جنسیتی باشد. برخی از پیشنهادهای کاربردی و عملی که برگرفته از نتایج تحقیق است، عبارتند از:

■ ایجاد مرکز جامع خدمات حمایتی در محله التیمور: این مرکز باید خدمات مشاوره روانی، حقوقی، آموزشی و اجتماعی را به طور مستمر به زنان سرپرست خانوار ارائه دهد و به‌عنوان نقطه اتکای محلی برای حمایت‌های چندجانبه عمل کند.

- برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و مدیریت تعارض نقش: همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای محلی برای آموزش مهارت‌های مدیریت زمان، مقابله با استرس، کارآفرینی خانگی و توانمندسازی اقتصادی زنان.
- ایجاد فرصت‌های شغلی انعطاف‌پذیر و محلی: حمایت از کسب‌وکارهای خانگی، مشاغل نیمه‌وقت و فعالیت‌های کارآفرینی متناسب با شرایط زنان سرپرست خانوار.
- اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق اجتماعی و حمایت‌های قانونی: افزایش آگاهی زنان درباره حقوق خود و امکانات حمایتی موجود، جهت تسهیل دسترسی به خدمات و حمایت‌های قانونی.
- اجرای این اقدامات با مشارکت فعال زنان و ساکنان تیمور و همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی، می‌تواند به کاهش تعارض نقش‌ها، کاهش بار نامرئی و ارتقای کیفیت زندگی این گروه آسیب‌پذیر کمک کند و الگویی موفق برای سایر سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد و شهرهای مشابه باشد.

منابع

- اشتری مهرجردی، اباذر، همایونی، فاطمه السادات و الهه باقرنژاد (۱۴۰۲). شناسایی تجارب و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان «در شرایط قرنطینه خانگی ناشی از بیماری کرونا». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۲(۲)، ۱-۱۰.
- احمدی، سپیده، امیرمظاهری، امیرمسعود و مجید صفاری‌نیا (۱۴۰۱). بازسازی معنایی فرهنگ فقر زنان سرپرست خانواده. مطالعات راهبردی ارتباطات، ۲(۳)، ۴۱-۵۴.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در مسئولیت‌پذیری زنان سرپرست خانوار در کاشان و آران و بیدگل. مطالعات راهبردی زنان، ۱۵(۵۹)، ۱۰۵-۱۵۷.
- ترابی، فاطمه، صادقی، حنا سادات و سمانه رنجبری بیوردی (۱۴۰۱). آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار و دلالت‌های سیاست‌گذاری آن در ایران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۳۱۳-۳۳۸.
- حسینی، محمدرضا و فاطمه محمدزاده. (۱۴۰۲). مادری دلسوزانه؛ تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از مادری. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۰(۲۲)، ۱۵-۲۴۹.
- خانی، سعید، خضری، فرشید و کتایون یاری (۱۳۹۶). مطالعه آسیب‌پذیری اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در منطقه سلطان آباد شهر تهران. زن در توسعه و سیاست، ۱۵(۴)، ۵۹۷-۶۲۰.
- دراهمی، احمد و رضا نوبخت (۱۴۰۰). «بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی: یک آنالیز ثانویه»، نشریه پژوهش‌گده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ۲۰(۴)، ۴۲۷-۴۳۷.

رستگار خالد، امیر و هاجر عظیمی (۱۳۹۳). بررسی تعارض شغلی/خانوادگی زنان سرپرست خانوار. زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۳)، ۴۲۵-۴۴۸.

سفیری، خدیجه و الهام عرب‌پور (۱۴۰۰). مطالعه تجربه زیسته مادری و همسری در بین زنان سرپرست خانوار تهرانی. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۹(۱)، ۷-۴۴.

شیانی، ملیحه و حنان زارع (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران. مطالعات جامعه شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۲۶(۲)، ۶۷-۹۷.

فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

قادری، صلاح‌الدین، کریمی، علیرضا، سلیمانی، سمیه، کارگر اسفندآبادی، خدیجه و مهدخت عنبری روزبهانی (۱۴۰۱). تجربه سرپرستی خانوار توسط زنان و چرخه بازتولید فلاکت (نمونه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر کرج). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۱(۱)، ۱-۲۷.

گزارش تحلیلی - توصیفی زنان سرپرست خانوار (۱۴۰۲)، سازمان بهزیستی کشور: مرکز برنامه‌ریزی، فناوری اطلاعات و امنیت فضای مجازی، تهیه شده در معاونت برنامه‌ریزی و اطلاعات راهبردی.

مختاری، فاطمه و حسن خوش‌اخلاق (۱۴۰۲). عوامل موثر بر آسیب‌های روانی زنان سرپرست خانواده سومین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و فرهنگی، همدان.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش تحقیق کیفی ضدروش. جلد اول (منطق و طرح در روش شناسی کیفی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

همتی، رضا و معصومه کریمی (۱۳۹۷). زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی (نمونه موردی زنان مطلقه سرپرست خانوار شهر فارس). پژوهش‌نامه زنان، ۹(۲۴)، ۱۸۱-۲۱۱.

Ahmed, S. K. (2024). The pillars of trustworthiness in qualitative research. *Journal of Medicine, Surgery, and Public Health*, 2, 1-4.

Allen, T. D., Shockley, K. M., Ohya, T., & Schoffel, M. (2025). *Theory testing and the work-family interface*. SAGE Publications Sage CA: Los Angeles, 3(1), 11-27.

Arumugam, V. (2023). The effects of stress on single mothers' work-life balance. *International Journal for Innovative Research in Multidisciplinary Field*, 9(4), 208-212.

Barigozzi, F., Biroli, P., Monfardini, C., Montinari, N., Pisanelli, E., & Vitellozzi, S. (2025). Beyond Time: Unveiling the Invisible Burden of Mental Load. *arXiv preprint arXiv:2505.11426*.

Creswell, j. W. (2007) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*; (Second Edition), Thousands Oaks, Ca, Sage Publications.

Greenhaus, J. H., & Beutell, N. J. (1985). Sources of conflict between work and family roles. *Academy of management review*, 10(1), 76-88.

Greenhaus, J. H., & Beutell, N. J. (1985). Sources of Conflict between Work and Family Roles. *The Academy of Management Review*, 10(1), 76-88.

Goode, W. J. (1960). A theory of role strain. *American sociological review*, 483-496.

Hochschild, A., & Machung, A. (1989). Working parents and the revolution at home. New York: Viking, 258, 262.

Hilbrecht, M., Shaw, S. M., Johnson, L. C., & Andrey, J. (2008). 'I'm home for the kids': contradictory implications for work-life balance of teleworking mothers. *Gender, Work & Organization*, 15(5), 454–476.

Hoyos-Hernández, P. A., & Duarte-Alarcón, C. (2016). Roles y desafíos de mujeres jefas de hogar con VIH/Sida. *Revista de Salud Pública*, 18, 554–567.

Hochschild, A., & Machung, A. (1989). Working parents and the revolution at home. New York: Viking, 258, 262.

Inegbedion, H. E. (2024). Work-life balance and employee commitment: mediating effect of job satisfaction. *Frontiers in Psychology*, 15, 1349555.

Kim, G. E., & Kim, E.-J. (2020). Factors affecting the quality of life of single mothers compared to married mothers. *BMC psychiatry*, 20, 1–10.

Kumar, H., Yadav, G., & Behmani, R. (2022). Multiple Role Conflict Faced By Women. In (pp. 355–365).

Kakulu, I., Byrne, P. & Viitanen, K. (2009). Phenomenological research in compulsory land acquisition and compensation, Proceedings of the FIG (Federation De Geometres). Working Week 2009-Surveyors Key Role in Accelerated Development, 3-8 May. Eilat. Israel.

Kulik, L. (2025). Role conflict, enrichment, sense of balance, and well-being among working students who are parents. *Journal of Family Social Work*, 28(2), 86–107.

McDonnell, C., & Gracia, P. (2024). Family structure and women's mental well-being: how family stressors explain mental health inequalities between lone and partnered mothers. *Frontiers in Sociology*, 9, 1498987.

Merton, R. K. (1968). Social theory and social structure. Simon and Schuster.

Manen, M. V. (2007). Phenomenology of Practice. *Phenomenology & Practice*, 1(1), 11–30.

Panampitiya, W. (2021). A Comparative Study of Structural and Functional Changes of Female-Headed Households in Rural Areas in Sri Lanka. *Journal of Advanced Research in Social Sciences and Humanities*, 6(4), 156–166.

Pascale, A. B., Ehrlich, S., & Hicks-Roof, K. K. (2022). The Impact of COVID-19 Pandemic on MotherScholars: A Comparative Case Study of United States and Australian Higher Education Women Faculty Role Strain. *Journal of Comparative and International Higher Education*, 14(n3A), 53–68.

Racher, F., Robinson, S. (2003). Are Phenomenology and Postpositivism Strange Bedfellows?. *Western Journal of Nursing Research*, 25(5), 464–481.

Sartor, T., Lange, S., & Tröster, H. (2023). Cumulative Stress of Single Mothers - An Exploration of Potential Risk Factors. *The Family Journal*, 31(1), 88–94.

Sharma, M. (2023). Poverty and gender: Determinants of female-and male-headed households with children in poverty in the USA, 2019. *Sustainability*, 15(9), 7602.

Sartor, T., Lange, S., & Tröster, H. (2023). Cumulative stress of single mothers-an exploration of potential risk factors. *The Family Journal*, 31(1), 88–94.

Tabrizikahuo, Gh., Salehi, K., Keshavarz Afshar, H., & Madani, Y. (2023). Phenomenological representation of biosociality in female-headed households. *afj*, 4(1): 193-220.

Walzer, S. (1998). *Thinking about the baby: Gender and transitions into parenthood*. Temple University Press.

Yoosefi Lebni, J., Mohammadi Gharehghani, M. A., Soofizad, G., Khosravi, B., Ziapour, A., & Irandoost, S. F. (2020). Challenges and opportunities confronting female-headed households in Iran: a qualitative study. *BMC women's health*, 20, 1–11.

مقاله آماده انتشار مجله پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر